

متن پرسش

«السلام عليك يا قتيل العبرات». سلام استاد بزرگوار: در رابطه با «راز» اسب تازاندن دشمن بر پیکر چاک چاک و عریان و خونین و بی سر سیدالشهداء علیه السلام داشتم فکر می کردم. البته حضرتعالی در جایی در این رابطه مطالبی را مطرح فرموده اید. اما واقعاً قاتلین حضرت چه چیزی در این پیکر بی سر و مطهر مشاهده می کردند که منجر شد تصمیم بگیرند دوباره اسب بتازند؟! شاید تصورش هم برای ما محال باشد که پس از شهادت حضرت، ناگهان چه چیزی در آن پیکر خونین تجلی کرد که آن تصمیم عجیب را گرفتند؟! آیا می توان گفت که این ها تمام شکوه تاریخی آینده حرکت امام حسین تا قیامت را، که در این پیکر متجلی شده بود را مشاهده می کردند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: دقیقاً همین طور باید باشد و به همین جهت امویان در درون خود می یافتند که قصه حضور حضرت اباعبدالله «علیه السلام» نه تنها قصه نفي جریان آنها است، بلکه قصه حضوری از انسانیت است که تا قیام قیامت در مقابل هر جاهلیتی ایستادگی می کند. ملاحظه نمی کنید چه اندازه انسان ها در همین تاریخ، خود را نسبت به حضرت اباعبدالله «علیه السلام» نزدیک می یابند؟ موفق باشید